

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دانشکده حقوق و علوم اجتماعی  
گروه علوم اجتماعی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته علوم اجتماعی (گرایش جامعه شناسی)

عنوان:

بررسی میزان طلاق عاطفی و عوامل جامعه شناختی مرتبط با آن  
(مورد مطالعه: افراد متاهل شهر همدان)

استاد راهنما:

دکتر توکل آقایاری هیر

استاد مشاور:

دکتر فاطمه گلابی

پژوهشگر:

سعید شعبانی

زمستان ۱۳۹۲

نام خانوادگی: شعبانی	نام: سعید
عنوان پایان نامه: بررسی میزان طلاق عاطفی و عوامل جامعه شناختی مرتبط با آن (مورد مطالعه: افراد متاهل شهر همدان)	
استاد راهنما: دکتر توکل آقایی هیر استاد مشاور: دکتر فاطمه گلابی	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته: علوم اجتماعی
دانشگاه: تبریز	گرایش: جامعه شناسی
تاریخ فراغت از تحصیل: زمستان ۱۳۹۲	دانشکده: حقوق و علوم اجتماعی
	تعداد صفحات: ۱۱۰
کلید واژه: خانواده، طلاق، طلاق عاطفی، عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی	
<p>چکیده</p> <p>مطالعه حاضر به بررسی میزان طلاق عاطفی و عوامل جامعه شناختی مرتبط با آن در بین افراد متاهل شهر همدان پرداخته است. طلاق عاطفی نماد وجود مشکل در ارتباط سالم و صحیح بین زن و شوهر است. این مشکل ارتباطی حتی این قابلیت را دارد که به روابط فراتر از روابط زوجین نیز شیوع و گسترش یابد و ارتباط انسانی را مختل نماید. موضوع طلاق عاطفی طبق دیدگاه های کارکردگرایی پارسونز، نظریه مرتن، نظریه نظام، نظریه مبادله، نظریه شبکه، مدل لوینگر، نظریه مارکز و نظریه استرنبرگ بررسی شده است.</p> <p>در تحقیق حاضر، برای اندازه گیری متغیرها و جمع آوری داده های لازم از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. روش تهیه سوالات و گویه های پرسشنامه بر اساس چارچوب نظری تحقیق و تعاریف عملیاتی مربوط به متغیرهای مطرح شده است. برای تعیین نمونه از شیوه ی نمونه گیری طبقه ای استفاده شده است. جامعه ی آماری مورد مطالعه کلیه ی افراد متاهل شهر همدان می باشد که حداقل یک سال از تاریخ ازدواج آنها گذشته باشد و هنوز به مرحله طلاق قانونی نرسیده باشند. تعداد زنان و مردان متاهل در سال ۱۳۹۲ در شهر همدان ۲۰۱۸۷۶ نفر می باشد که از این تعداد، ۳۸۳ نفر به عنوان نمونه مطالعه انتخاب شده است. نتایج تحقیق حاکی ست: میزان طلاق عاطفی در بین پاسخگویان نشان از این دارد که نزدیک به ۵۰ درصد پاسخگویان در کمترین حد و ۴ درصد پاسخگویان در بیشترین حد طلاق عاطفی قرار دارند. بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی و طلاق عاطفی در بین افراد متاهل رابطه وجود ندارد. بین میزان دینداری و طلاق عاطفی در بین افراد متاهل رابطه (معکوس) وجود دارد. بین میزان تقدیرگرایی و طلاق عاطفی در بین افراد متاهل رابطه (مستقیم) وجود دارد. بین میزان دخالت دیگران و طلاق عاطفی در بین افراد متاهل رابطه (مستقیم) وجود دارد. بین میزان خشونت و طلاق عاطفی در بین افراد متاهل رابطه (مستقیم) وجود دارد. بین نگرش پاسخگو به اعتیاد همسر و طلاق عاطفی در بین افراد متاهل رابطه (مستقیم) وجود دارد. بین میزان ارزش خانواده و طلاق عاطفی در بین افراد متاهل رابطه (مستقیم) وجود دارد. بین سلامت اخلاقی و طلاق عاطفی در بین افراد متاهل رابطه (معکوس) وجود دارد. بین سن پاسخگو، سن همسر، مدت زمان زندگی مشترک، مرتبه ازدواج، قومیت و طلاق عاطفی در بین افراد متاهل رابطه وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون حاکی ست: چهار متغیر خشونت، مدت زندگی مشترک، دخالت دیگران و تقدیرگرایی مجموعاً ۶۲٪ از واریانس طلاق عاطفی را تبیین می کنند. همچنین نتایج تحلیل مسیر نشان می دهد که خشونت، تقدیرگرایی، جنس، پایگاه اقتصادی- اجتماعی، مدت زندگی مشترک، سلامت اخلاقی و میزان دخالت دیگران هفت متغیر هستند که پیش بینی کننده طلاق عاطفی می باشند.</p>	

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

### فصل اول: کلیات تحقیق

۲	۱-۱ مقدمه.....
۵	۲-۱ بیان مسئله.....
۷	۳-۱ ضرورت و اهمیت تحقیق.....
۹	۴-۱ اهداف تحقیق.....

### فصل دوم: مبانی نظری و ادبیات تحقیق

۱۱	۱-۲ مبانی نظری.....
۱۱	۱-۱-۲ نظریه کارکردگرایی.....
۱۴	۲-۱-۲ نظریه بیگانگی رابرت مرتن.....
۱۵	۱-۲-۱-۲ هدف های فرهنگی و وسایل نهادی شده.....
۱۸	۳-۱-۲ نظریه نظام ها.....
۱۹	۴-۱-۲ نظریه مبادله.....
۲۰	۵-۱-۲ نظریه شبکه.....
۲۱	۶-۱-۲ مدل لوینگر.....
۲۳	۷-۱-۲ نظریه سیستمی کیفیت زناشویی مارکز.....
۲۵	۸-۱-۲ مثلث عشق استرنبرگ.....
۲۸	۱-۲-۲ پیشینه تجربی پژوهش.....
۳۱	۱-۳-۲ مدل تحلیلی تحقیق.....
۳۳	۱-۴-۲ فرضیات تحقیق.....

### فصل سوم: روش شناسی تحقیق

۳۵	۱-۳ روش شناسی.....
۳۵	۲-۳ تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها.....
۳۵	۱-۲-۳ متغیر وابسته: طلاق عاطفی.....
۳۶	۲-۲-۳ متغیرهای مستقل.....
۳۶	۱-۲-۲-۳ پایگاه اقتصادی- اجتماعی.....
۳۷	۲-۲-۲-۳ عوامل اجتماعی.....
۳۸	۳-۲-۲-۳ عوامل فرهنگی.....
۳۹	۴-۲-۲-۳ عوامل زمینه ای.....
۴۰	۳-۳ ابزار تحقیق و شیوه گردآوری داده ها.....

- ۴-۳ اعتبار و پایایی وسیله اندازه گیری ..... ۴۰
- ۵-۳ جامعه آماری، حجم نمونه و شیوه نمونه گیری و واحد تحلیل ..... ۴۲
- ۷-۳ شیوه تجزیه و تحلیل داده ها ..... ۴۳
- ۸-۳ قلمرو زمانی و مکانی تحقیق ..... ۴۴

### فصل چهارم: یافته های تحقیق

- ۱-۴ مقدمه ..... ۴۶
- ۲-۴ توصیف نمونه و متغیرها ..... ۴۶
- ۱-۲-۴ سن پاسخگو ..... ۴۶
- ۲-۲-۴ سن همسر پاسخگو ..... ۴۷
- ۳-۲-۴ فاصله سنی زوجین ..... ۴۸
- ۴-۲-۴ جنس پاسخگو ..... ۴۹
- ۵-۲-۴ سن ازدواج ..... ۵۰
- ۶-۲-۴ مدت زندگی مشترک ..... ۵۱
- ۷-۲-۴ مرتبه ازدواج ..... ۵۲
- ۸-۲-۴ تعداد فرزند ..... ۵۳
- ۹-۲-۴ وضعیت شغلی پاسخگو ..... ۵۴
- ۱۰-۲-۴ وضعیت شغلی همسر پاسخگو ..... ۵۶
- ۱۱-۲-۴ میزان تحصیلات پاسخگو ..... ۵۸
- ۱۲-۱-۴ میزان تحصیلات همسر پاسخگو ..... ۵۹
- ۱۳-۲-۴ میزان درآمد متوسط ماهیانه پاسخگو ..... ۶۰
- ۱۴-۲-۴ میزان هزینه متوسط ماهیانه پاسخگو ..... ۶۲
- ۱۵-۲-۴ تعلق قومی ..... ۶۳
- ۳-۴ طلاق عاطفی و ابعاد آن ..... ۶۵
- ۴-۴ عوامل اجتماعی ..... ۶۹
- ۵-۴ عوامل فرهنگی ..... ۷۱
- ۶-۴ بررسی روابط دو متغیره (آزمون فرضیه ها) ..... ۷۳
- ۱-۶-۴ بررسی ارتباط پایگاه اقتصادی- اجتماعی با طلاق عاطفی ..... ۷۳
- ۲-۶-۴ بررسی ارتباط عوامل اجتماعی با طلاق عاطفی ..... ۷۴
- ۳-۶-۴ بررسی ارتباط عوامل فرهنگی با طلاق عاطفی ..... ۷۶
- ۴-۶-۴ بررسی ارتباط عوامل زمینه ای با طلاق عاطفی ..... ۷۷
- ۵-۶-۴ تحلیل چند متغیره (مدل رگرسیونی طلاق عاطفی) ..... ۸۲

۸۷.....۴-۶-۶ تحلیل مسیر.....

### **فصل پنجم: جمع بندی، نتیجه گیری و پیشنهادات**

۹۶..... ۱-۵ جمع بندی یافته ها (توصیفی، نظری و تجربی).....

۱۰۰..... ۲-۵ بحث و نتیجه گیری.....

۱۰۴..... ۳-۵ پیشنهادات تحقیق.....

۱۰۴..... ۴-۵ محدودیت های تحقیق.....

۱۰۵..... **منابع**

۱۰۸..... **ضمیمه: پرسشنامه تحقیق**

## فهرست اشکال و نمودارها

صفحه	عنوان
۳۲	نمودار ۱-۲: مدل تحلیلی تحقیق
۴۷	نمودار ۱-۴: نمودار دایره ای توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سن
۴۸	نمودار ۲-۴: نمودار دایره ای توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سن همسر
۴۹	نمودار ۳-۴: نمودار دایره ای توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب فاصله سنی زوجین
۵۰	نمودار ۴-۴: نمودار دایره ای توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنس
۵۱	نمودار ۵-۴: نمودار دایره ای توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سن ازدواج
۵۲	نمودار ۶-۴: نمودار دایره ای توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب مدت زمان زندگی مشترک
۵۳	نمودار ۷-۴: نمودار دایره ای توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب مرتبه ازدواج
۵۴	نمودار ۸-۴: نمودار دایره ای توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تعداد فرزند
۵۶	نمودار ۹-۴: نمودار ستونی وضعیت شغلی پاسخگویان به تفکیک جنس
۵۸	نمودار ۱۰-۴: نمودار ستونی وضعیت شغلی همسر پاسخگویان به تفکیک جنس
۵۹	نمودار ۱۱-۴: نمودار ستونی توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس تحصیلات به تفکیک جنس
۶۰	نمودار ۱۲-۴: نمودار دایره ای توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس تحصیلات همسر
۶۱	نمودار ۱۳-۴: نمودار دایره ای توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس درآمد متوسط خانواده
۶۳	نمودار ۱۴-۴: نمودار دایره ای توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس هزینه متوسط خانواده
۶۴	نمودار ۱۵-۴: نمودار دایره ای توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس تعلق قومی
۷۴	نمودار ۱۶-۴: نمودار پراکنش ارتباط بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی و طلاق عاطفی
۸۹	شکل شماره ۱۷-۴: مولفه های موثر بر طلاق عاطفی
۸۹	شکل شماره ۱۸-۴: مولفه های موثر بر پایگاه اقتصادی- اجتماعی
۹۰	شکل شماره ۱۹-۴: مولفه های موثر بر ارزش خانواده
۹۰	شکل شماره ۲۰-۴: مولفه های موثر بر کلیشه های جنسیتی
۹۱	شکل شماره ۲۱-۴: مولفه های موثر بر سلامت اخلاقی
۹۱	شکل شماره ۲۲-۴: مولفه های موثر بر دینداری
۹۲	شکل شماره ۲۳-۴: مولفه های موثر بر تقدیرگرایی
۹۲	شکل شماره ۲۴-۴: مولفه های موثر بر میزان دخالت دیگران
۹۲	شکل شماره ۲۵-۴: مولفه های موثر بر خشونت
۹۳	شکل شماره ۲۶-۴: مولفه های موثر بر نگرش پاسخگو به اعتیاد همسر
۹۳	شکل شماره ۲۷-۴: مولفه های موثر بر طلاق عاطفی

## فهرست جداول

صفحه	عنوان
۱۷	جدول شماره ۱-۲: تیپولوژی حالات مختلف تطابق
۲۷	جدول شماره ۲-۲: عوامل مرتبط با طلاق عاطفی
۴۱	جدول شماره ۱-۳: پایایی مربوط به گویه های طلاق عاطفی
۴۱	جدول شماره ۲-۳: پایایی مربوط به گویه های عوامل فرهنگی
۴۲	جدول شماره ۳-۳: پایایی مربوط به گویه های عوامل اجتماعی
۴۳	جدول شماره ۴-۳: توزیع افراد متاهل در مناطق همدان
۴۶	جدول شماره ۱-۴: توزیع فراوانی سن پاسخگویان
۴۷	جدول شماره ۲-۴: توزیع فراوانی سن همسر پاسخگویان
۴۸	جدول شماره ۳-۴: توزیع فراوانی فاصله سنی زوجین
۴۹	جدول شماره ۴-۴: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنس
۵۰	جدول شماره ۵-۴: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سن ازدواج
۵۱	جدول شماره ۶-۴: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب مدت زندگی مشترک
۵۲	جدول شماره ۷-۴: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب مرتبه ازدواج
۵۳	جدول شماره ۸-۴: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تعداد فرزند
۵۵	جدول شماره ۹-۴: وضعیت شغلی پاسخگویان به تفکیک جنس
۵۷	جدول شماره ۱۰-۴: وضعیت شغلی همسر پاسخگویان به تفکیک جنس
۵۸	جدول شماره ۱۱-۴: توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس میزان تحصیلات
۵۹	جدول شماره ۱۲-۴: توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس میزان تحصیلات همسر
۶۱	جدول شماره ۱۳-۴: توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس میزان متوسط درآمد
۶۲	جدول شماره ۱۴-۴: توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس میزان متوسط هزینه
۶۴	جدول شماره ۱۵-۴: توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس تعلق قومی
۶۵	جدول شماره ۱۶-۴: میزان موافقت/مخالفت پاسخگویان با گویه های طلاق عاطفی
۶۷	جدول شماره ۱۷-۴: توصیف گره های مربوط به طلاق عاطفی
۶۹	جدول شماره ۱۸-۴: میزان موافقت/مخالفت پاسخگویان با گویه های عوامل اجتماعی
۷۰	جدول شماره ۱۹-۴: توصیف گره های مربوط به ابعاد عوامل اجتماعی
۷۲	جدول شماره ۲۰-۴: میزان موافقت/مخالفت پاسخگویان با گویه های عوامل فرهنگی
۷۳	جدول شماره ۲۱-۴: توصیف گره های مربوط به ابعاد عوامل فرهنگی
۷۴	جدول شماره ۲۲-۴: بررسی ارتباط بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی و طلاق عاطفی
۷۵	جدول شماره ۲۳-۴: بررسی ارتباط بین ابعاد عوامل اجتماعی و طلاق عاطفی
۷۷	جدول شماره ۲۴-۴: بررسی ارتباط بین ابعاد عوامل فرهنگی و طلاق عاطفی
۷۸	جدول شماره ۲۵-۴: بررسی ارتباط متغیرهای زمینه ای فاصله ای و طلاق عاطفی
۷۹	جدول شماره ۲۶-۴: بررسی ارتباط بین دو متغیر در فرضیه چهارم پژوهش
۸۰	جدول شماره ۲۷-۴: آزمون تی برای دو گروه مستقل و تحلیل واریانس یکطرفه بین آزمودنی



- جدول شماره ۴-۲۸: برآورد میانگین طلاق عاطفی در بین اقوام ۸۰
- جدول شماره ۴-۲۹: تحلیل وایانس یکطرفه بین آزمودنی ۸۱
- جدول شماره ۴-۳۰: بررسی ارتباط بین دو متغیر در فرضیه چهارم پژوهش ۸۱
- جدول شماره ۴-۳۱: آزمون تی برای دو گروه مستقل و تحلیل واریانس یکطرفه بین آزمودنی ۸۲
- جدول شماره ۴-۳۲: تبیین مدل رگرسیونی ۸۳
- جدول شماره ۴-۳۳: بررسی رابطه معناداری مدل رگرسیونی ۸۳
- جدول شماره ۴-۳۴: بررسی رابطه خطی بین متغیرها ۸۴
- جدول شماره ۴-۳۵: رابطه همخطی ۸۵
- جدول شماره ۴-۳۶: ضرایب رگرسیونی ۸۶
- جدول شماره ۴-۳۷: ضرایب رگرسیون متغیر وابسته: طلاق عاطفی ۸۸
- جدول شماره ۴-۳۸: محاسبه تاثیرات کل هر متغیر مستقل بر متغیر وابسته ۹۴

# فصل اول:

## کلیات تحقیق

## ۱- مقدمه

اگرچه در دنیای امروز بسیاری از مفاهیم دستخوش تغییرات اساسی شده و کارکرد نهادها تفاوت چشمگیری با گذشته یافته است، اما هنوز هم بسیاری از این مفاهیم نقش کلیدی در زندگی اجتماعی و سرنوشت افراد ایفا می کنند و لزوم حفظ، احیاء و توجه ویژه به این مقولات بیش از هر زمان دیگری احساس می شود. خانواده را می توان از مقولات حائز اهمیت در میان این مفاهیم دانست. در ایران همیشه نگرشی مثبت نسبت به خانواده وجود داشته است، آن را بهترین مکان برای زندگی افراد می دانند و تدابیری در جهت پایداری و تداوم آن می اندیشند. البته این نگرش مثبت امری عمومی و مطلوب است.

کوشش مصلحان جامعه نیز بر این بوده است که نظام خانواده، یک نظام مستحکم و پایداری باشد و هیچ عاملی نتواند این کانون سعادت را متلاشی گرداند (بهشتی، ۱۳۸۷: ۳۳). همه مصلحین بر خانواده و اهمیت حیاتی آن برای جامعه تاکید کرده اند و هیچ جامعه ای بدون داشتن خانواده های سالم نمی تواند ادعای سلامت کند و هیچ یک از آسیب های اجتماعی بی تاثیر از خانواده پدید نیامده اند (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۱۱).

خانواده در طول تاریخ با دگرگونی هایی به شکل امروزه خود رسیده است و ثابت شده که این دگرگونی ها تحت تاثیر دگرگونی شرایط اجتماعی بوده است.

خانواده بویژه در آستانه قرن بیست و یکم به عنوان یک نقطه عطف تناقض که مسایل مختلفی را نیز به دنبال می آورد، نمود پیدا کرده است، و بحران ناشی از آن کل نظام جامعه را تهدید می نماید. به همین خاطر، بسیاری از جامعه شناسان و سیاستمداران، بازگشت به ارزش های خانواده را توصیه می نمایند، تا از طریق مجموعه نظام جامعه بتواند حرکت موزون خود را دنبال نماید (شیخی، ۱۳۸۷: ۱۳).

تغییر و دگرگونی در ساختار اقتصادی- اجتماعی در جامعه ایران، موجب دگرگونی ساختار و کارکرد نهاد خانواده نیز شده است. خانواده گسترده با همه کارکردهای مناسبش کم کم جایش را به خانواده هسته ای داده است. وظایف و کارکردهای خانواده گسترده کم رنگ شده و به جای آن موسسات اجتماعی قسمتی از وظایف خانواده گسترده را بر عهده گرفته اند. اگر زمانی اقوام و نزدیکان بیشترین نقش را در ثبات، تعادل، وفاق و همبستگی خانواده بر عهده داشتند، اما امروز مراکز مشاوره خانواده به عنوان یک موسسه اجتماعی بین نهاد خانواده و جامعه مداخله می نماید. به دلیل عدم شناخت فرهنگ و تفاوت های فرهنگی خانواده ها، این موسسات هم، گاهی برای خانواده مشکل بوجود می آورند! زیرا خانواده در شهرها بیشتر در معرض تعارض و دگرگونی های فرهنگی است و انسان ها در نهاد خانواده و در طبقات مختلف اجتماعی به دلیل نابرابری های اقتصادی- اجتماعی توان همنوایی و سازگاری با تغییرات و دگرگونی سریع را نداشته و دچار بی هنجاری های اجتماعی شده اند (آقاجانی، ۱۳۸۷: ۱۰).

تحرك شديد طبقاتی، بحران های اقتصادی، تفاوت های فرهنگی در بین خانواده ها، بالا رفتن نیازهای مادی و معنوی، فقر اقتصادی و بیکاری، همه این مسائل موجب شده که خانواده کارکرد مناسب خود را نتواند ایفا نماید و آرامش، نظم، تعادل، سازگاری و وفاق اجتماعی در نهاد خانواده رو به کاهش باشد و این امر مشکلاتی برای خانواده بوجود آورده است (آقاجانی، ۱۳۸۷: ۱۳) و در چنین شرایطی ناسازگاری های زناشویی شکل گرفته و عواملی از این دست در خانواده ها رخ می دهد.

از طرف دیگر ازدواج عامل بوجود آمدن خانواده، تکثیر و بقای نسل انسان است و در ادیان توحیدی و بویژه دین مبین اسلام از قداستی ویژه برخوردار است و اگر با شرایط لازم و آگاهی کافی صورت گیرد اثرات مهمی بر سلامت افراد و اجتماع می گذارد. سلامت جسمی، روانی و اجتماعی زوج های جوان با سلامت خانواده و ایجاد نسل سالم ارتباط تنگاتنگی دارد.

ازدواج، قراردادی اجتماعی است که باعث بوجود آوردن یک کانون خانوادگی برای زندگی و تکثیر و بقاء نسل انسان از طریق بوجود آوردن اولاد و تعلیم و تربیت آنان مطابق با هنجارهای خانوادگی و فرهنگی می شود. در دین مبین اسلام قداست و اهمیت تشکیل خانواده مورد تاکید قرار گرفته است به حدی که ازدواج بعنوان محبوبترین بنیاد نزد خداوند ذکر شده است و حتی در قرآن مجید، تشکیل خانواده را مایه تامین آرامش روان و احساس امنیت و سرچشمه ظهور مودت و رحمت دانسته و آن را جزو آیات الهی معرفی نموده است (قرآن کریم، سوره روم، آیه ۲۱). ازدواج سبب برقراری منظم فعالیت جنسی بهداشتی و سالم می شود و از فعالیت های جنسی نامشروع که سبب آسیب های اجتماعی دیگر مانند فحشاء و بیماری های مقاربتی می گردد، جلوگیری میکند. ازدواج یک رابطه بسیار نزدیک و طولانی را بین زن و مرد ایجاد می کند. در صورتیکه ارتباط سالم و موثر بین زن و مرد بوجود نیاید، بقاء آن با مشکل مواجه می شود. برای اینکه ازدواج بنای مستحکمی داشته باشد، باید بر اساس توافق طرفین و بررسی خانواده های آنان صورت گیرد. لازمه این امر است که طرفین معیارهای مناسبی برای انتخاب همسر تعیین نمایند و به بررسی و مشورت با دیگران جهت آگاهی از ویژگی های فرد مقابل و تطابق آن با معیارهای خود پردازند. از طرفی زوج های جوان، آینده سازان هر کشوری هستند و سلامت جامعه در گرو تامین سلامت جسمی، روانی و اجتماعی آنان است (پریزاده و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۵۳۷).

آسیب شناسی مسئله خانواده در ایران، حکایت از گسترش خشونت خانگی، کودک آزاری و ... در نهاد خانواده است. این عوامل سبب شده است تا امروزه وضعیت نهاد خانواده در ایران خود به عنوان یک مسئله اجتماعی بروز کند و از سوی دیگر بر گسترش بسیاری از مسائل اجتماعی دیگر نیز دامن بزند (امین آقایی، ۱۳۸۸: ۶۲). حال یکی از مهم ترین آسیب های خانوادگی طلاق است: کارشناسان بر این باورند که فرآیند طلاق در اکثر مواقع این سیر را طی می کند: اختلافات جزئی، تکرار اختلافات جزئی و جدی شدن آنها، جدایی یا بی میلی

یکی از زوجین به طرف مقابل، قهرهای طولانی و تکرار آن، خستگی زوجین از قهرها و درگیری‌ها، "طلاق عاطفی"<sup>۱</sup>، طلاق قانونی (محمدی، ۱۳۸۳: ۱۱۱). اما آمار رسمی طلاق بطور کامل نشان دهنده میزان ناکامی همسران در زندگی زناشویی نیست، زیرا در کنار آن عددی بزرگ تر به طلاق عاطفی اختصاص دارد. در طلاق عاطفی ازدواج‌ها به شکل قانونی پایان نمی‌یابد، به ازدواج‌هایی خالی از هر گونه محبت، مصاحبت و دوستی می‌انجامد و همسران فقط با جریان زندگی خانوادگی به پیش می‌روند و زمان را سپری می‌کنند و اعضای خانواده به زندگی (با هم- تنها) ادامه می‌دهند، ولی از روابط و کنش متقابل با یکدیگر و حمایت‌های عاطفی و احساسی محروم هستند.

در طلاق عاطفی، همسران زیر یک سقف زندگی می‌کنند، در حالی که ارتباطات بین آنها کاملاً قطع شده یا بدون میل و رضایت است. از سویی کیفیت روابط درون خانواده، نقش بسزایی در شکل‌گیری نگرش‌ها و بازخوردهای اجتماعی، آمادگی و توسعه مهارت‌های اجتماعی اعضای خانواده دارد، و پایه و اساس روابط درون خانواده بر محور رابطه زن و شوهر استوار است (محمدی، ۱۳۸۳: ۱۱۱).

هر روز از طریق رسانه‌ها، جراید و سازمان‌ها شاهد انتشار آمار طلاق و افزایش آن در جامعه هستیم که بسیار نگران‌کننده بوده و نشان از سست شدن بنیان خانواده و در نتیجه حضور افراد آسیب‌دیده در اجتماع دارد به ویژه نگاه عمومی جامعه، به طلاق و تبعات طلاق تا حد زیادی متفاوت از تجربه این پدیده در کشوری دیگر از جمله کشورهای غربی و توسعه یافته است. اما حقیقت این است که این آمار تنها شامل افرادی است که به صورت قانونی طلاق گرفته‌اند و این جدا از خیل عظیمی از خانواده‌هاست که امروزه به صورت روانی و عاطفی دچار گسست شده و سال‌هاست که جدا از یکدیگر و همخانه هستند. در حقیقت این آمار رسمی طلاق تنها درصد ناچیزی از تعداد خانواده‌هایی را نشان می‌دهد که در شرایط طلاق عاطفی به سر می‌برند. با این مقدمه و توضیح می‌توان ادعا کرد که طلاق عاطفی به عنوان آفت خانواده‌ها در جامعه ایران نیاز به کنکاش دارد تا جوانب مختلف آن مورد شناسایی قرار گیرد تا بتوان این آفت خانواده را تا حدودی مورد پیشگیری قرار داد.

---

<sup>1</sup> Emotional Divorce

## ۱-۲ بیان مسئله

خانواده به لحاظ قدمت، ابتدایی ترین و از لحاظ گستردگی، جهان شمول ترین نهاد اجتماعی می باشد (خدایاری و همکاران، ۱۳۸۶: ۲) که از بدو پیدایش بشر وجود داشته است و بدون آن هسته ی مرکزی هیچ اجتماعی بوجود نمی آمد. صاحب نظران معتقدند خانواده از نخستین نظام های عمومی و جهانی است که برای رفع نیازمندی های حیاتی و عاطفی انسان و بقای جامعه ضرورت تام دارد. روابط مناسب در جامعه بر اساس روابط مناسب در خانواده شکل می گیرد و هر اندازه روابط درون خانواده مناسب تر باشد، خانواده و به تبع آن جامعه از ثبات و استحکام بیشتری برخوردار است. خانواده در بین تمامی نهادها، سازمان ها و گروه های اجتماعی نقش و اهمیتی خاص و بسزا دارد. چنان که هیچ جامعه ای نمی تواند بدون داشتن خانواده های سالم، ادعای سلامت کند و هیچ یک از آسیب های اجتماعی بی تاثیر از خانواده پدید نیامده اند (باستانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۴۲).

بنابراین از آنجا که خانواده مهم ترین نهاد جامعه است و منشاء جامعه ی سالم، خانواده ی سالم است، وارد شدن هر آفت و زوالی به این نهاد و کارکرد های آن، از امور مهم و شایسته ی کنکاش می باشد (شعبانی، ۱۳۹۰: ۴). یکی از مهم ترین آسیب های خانوادگی، طلاق است. طلاق، فرایند عاطفی و فیزیکی جدایی یک زوج است که در طی زمان و در قالب مراحل مختلفی اتفاق می افتد.

در جامعه ی ایران اگر امروز با آمارهای رو به رشد طلاق قانونی مواجه می شویم (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵) در کنار آن مسأله ای بزرگ تر اما کشف نشده تحت عنوان طلاق عاطفی قرار دارد. شاید میزان طلاق عاطفی به مراتب بیشتر از طلاق های قانونی باشد به ویژه زمانی که زوجین ناراضی به علت وجود موانع اجتماعی، فرهنگی و حتی قانونی مجبور به تحمل یک زندگی مشترک غیررضایت آمیز می شوند. در واقع مسأله جدایی زوجین را می توان به کوه یخی تشبیه کرد که تنها بخش کوچکی از آن در قالب طلاق های قانونی خود را نمایان می سازد؛ زندگی های خاموش و خانواده های توخالی که زن و مرد در کنار هم به سردی زندگی می کنند ولی هیچ گاه تقاضای طلاق قانونی نمی کنند (بخارایی، ۱۳۸۶: ۶۴). یعنی ازدواج هایی که با طلاق قانونی پایان نیافته است ولی طرفین عواطف خود را از همدیگر دریغ کرده اند و دیگر اعتماد و احساسی بین شان نیست، و به خانواده های توخالی تبدیل شده اند؛ خانواده هایی که اعضای آن به زندگی با یکدیگر ادامه می دهند ولی از روابط و کنش متقابل با یکدیگر و از حمایت احساسی یکدیگر محروم هستند. سکوت و بی تفاوتی فضای خانه را پر کرده و «جدایی سری» جای «همسری» را گرفته است.

طلاق عاطفی به جدایی خاموشی گفته می شود که به لحاظ قانونی، طلاقى اتفاق نیفتاده و مرد و زن، بنابر ملاحظاتی بناچار در زیر یک سقف زندگی می کنند، و لیکن بدلیل شدت سردی روابط و عدم تبادل احساسات و عواطف، احساس نارضایتی همراه با ناامیدی از زندگی مشترک خود دارند (سالک، ۱۳۸۵؛ ۲۴) و نمی توانند به همدیگر محبت کنند و به یک نقطه ی توقف می رسند. حالت بسیار سخت تر اینکه دو طرف نه جرات و جسارت کردن مطلق از زندگی مشترک را و نه توان ساختن و درست کردن رابطه را دارند. حرفی برای گفتن و شوری برای ادامه زندگی نیست اما شاید باورهای غلط فرهنگی، فشارهای اقتصادی و ترس از تنها ماندن، انسان را در جریان زندگی غیررضایتمندانه نگاه می دارد.

طلاق عاطفی نماد وجود مشکل در ارتباط سالم و صحیح بین زن و شوهر است. این مشکل ارتباطی در سطح کوچک (خانواده) می تواند در بعد وسیع تر (جامعه) نیز شیوع و گسترش یابد و ارتباط انسانی را مختل نماید. وقتی بنیان نهاد خانواده دچار تزلزل شود، بنیان های اخلاقی و اجتماعی کل نظام متزلزل شده و جامعه به سوی مشکلات گوناگون سوق داده می شود؛ مسئله ی اجتماعی حال حاضر در ارتباط با موضوع تحقیق (بررسی میزان طلاق عاطفی و عوامل جامعه شناختی مرتبط با آن) توجه به این دارد که طلاق عاطفی نقش مهمی در به خطر انداختن سلامت خانواده و جامعه دارد و یا در نظر گرفتن این نکته که تاکنون علی رغم توجه به طلاق، مسئله ی طلاق عاطفی کمتر مورد بررسی قرار گرفته است (باستانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۴۴).

از آنجا که بررسی جامعه شناختی طلاق عاطفی می تواند در شناخت بهتر این پدیده و بالطبع در پیشگیری و کاستن از تبعات نامناسب آن موثر باشد، از این رو بررسی مسئله ی طلاق عاطفی از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار است. همچنین خانواده های شهر همدان نیز از این قاعده مستثنی نبوده و چه بسا تعداد افرادی که به این عارضه دچار شده اند نیز بسیار بیشتر از دیگر شهرهای استان همدان و یا حتی بسیاری از شهرهای کشور باشد. طبق جداول منتشر شده مرکز آمار ایران (۱۳۸۵) در سرشماری سال ۱۳۸۵، تعداد زنان و مردان جدا شده از هم بر اثر طلاق در همدان تنها از چند شهر دیگر کشور کمتر است. در شهرهایی همچون تهران، اصفهان، شیراز، اهواز، ارومیه و تبریز و مازندران ما شاهد آمار بالایی از طلاق بوده ایم که شهر همدان بعد از این شهرها در رتبه ی بالایی قرار دارد و بالطبع افرادی که دچار عارضه ی طلاق عاطفی شده اند نیز باید بالا باشد. زیرا عملاً طلاق قانونی بعد از طلاق عاطفی اتفاق خواهد افتاد.

با بررسی مبانی نظری و تحقیقات انجام گرفته، می توان گفت که عوامل جامعه شناختی زیادی، همچون عوامل فرهنگی و عرفی، تاثیر بسزایی در ایجاد این نوع از طلاق دارد. در عین حالی که می توان از عواملی صحبت کرد که موجبات جدایی عاطفی و ... افراد از یکدیگر را فراهم می آورند، بایستی به عواملی نیز توجه کرد که مانع از

جدایی قانونی زوجین در موارد نارضایتی از یکدیگر می شوند. از همین روی به نظر می رسد پرداختن به هر دو دسته از این عوامل در بحث طلاق عاطفی ضروری باشد.

حال اگر عواملی همچون رفتار خشونت آمیز، نارضایتی جنسی، دخالت خانواده ها، وضعیت اشتغال مرد، وضعیت اعتیاد مرد، نادیده گرفته شدن نیازها و نظرات و انتظارات زن توسط مرد (باستانی، ۱۳۸۹) همچنین عدم پایبندی به ارزش های دینی و پوشش و ظاهر ناآراسته همسر (شهدخت، ۱۳۸۹) و ارزش خانواده، سلامت اخلاقی و کلیشه های جنسیتی (بخارایی، ۱۳۸۶) از عوامل تاثیر گذار بر طلاق عاطفی باشند، متغیرهایی همچون متغیر خشونت، ارزش خانواده و نگرش به طلاق در جامعه، سلامت اخلاقی، پایگاه اقتصادی- اجتماعی و میزان دینداری در راس علاقه مندی پژوهشگر برای مطالعه قرار دارد.

در پژوهش حاضر با الهام از نظریه ها و تحقیقات انجام گرفته، محقق در صدد است که عوامل جامعه شناختی مرتبط با طلاق عاطفی و میزان آن را شناسایی و به مورد بررسی بگذارد. با توجه به مطالب مذکور، می توان سوالات تحقیق حاضر را به شکل خلاصه به شرح زیر صورت بندی کرد:

۱. میزان طلاق عاطفی در بین افراد متاهل شهر همدان چقدر است؟
۲. چه عوامل جامعه شناختی با طلاق عاطفی افراد متاهل مرتبط است؟
۳. کدام عامل یا عوامل ارتباط بیشتری با طلاق عاطفی در بین افراد متاهل شهر همدان دارند؟

### ۱-۳ ضرورت و اهمیت تحقیق

آنچه در این پژوهش به آن پرداخته شده است میزان و عوامل جامعه شناختی مرتبط با طلاق عاطفی است. خانواده مهم ترین نهاد جامعه، بوده و سلامت خانواده در اصل می تواند تضمینی برای سلامت جامعه در نظر گرفته شود. از طرفی کیفیت روابط درون خانواده، نقش بسزایی در شکل گیری نگرش ها و بازخوردهای اجتماعی اعضای درون خانواده دارد و پایه و اساس روابط درون خانواده نیز بر محور رابطه ی زن و شوهر استوار است. بنابراین شناخت هر موضوعی که تهدیدی بر رابطه ی مذکور باشد، از اهمیت خاصی برخوردار است، و تلاش در شناسایی راه های برون رفت از این تهدید نیز به همان میزان حیاتی است. طلاق یکی از مهم ترین تهدیدها نسبت به موجودیت خانواده است که در صورت عدم توجه به آن در بلندمدت می تواند آسیب جدی فردی و اجتماعی بر جای بگذارد.

گرچه از طلاق، دست کم از رویکردهای نظم اجتماعی، به عنوان یک عامل تهدید یاد می شود، ولی صرف حضور فیزیکی زوجین در کنار هم هیچ تضمینی برای ایجاد یک خانواده سالم بوجود نمی آورد. در کنار حضور فیزیکی زوجین و حتی بیشتر از آن وجود یک رابطه ی مشترک تمام و کمال و یک رابطه ی توأم با صمیمیت و علاقه



مشترک است که نشانی برای سلامت روابط زوجین خواهد بود. از این روست که می توان گفت روابطی که عملاً جزو روابط مناسب نبوده و زوجین با صرف حضور فیزیکی هیچ تمایل و علاقه و انگیزه واقعی در زندگی مشترک خود ندارند، در عمل می تواند آسیب هایی حتی به مراتب بیشتر از طلاق قانونی متوجه هم زوجین و هم سایر اعضای خانواده کند.

از طرفی دیگر بسیاری از مواقع، طلاق قانونی آخرین مرحله از یک فرآیند جدایی است که ممکن است در یک دوره ی زمانی به نسبت طولانی اتفاق بیافتد. معمولاً قبل از این آخرین مرحله، مراحل مختلفی از جدایی را زوجین از سر می گذرانند که شاید مهم ترین مرحله، مرحله ی جدایی عاطفی زوجین باشد. لذا بنظر می رسد طلاق عاطفی می تواند به عنوان پیش شرطی برای طلاق های نهایی از نوع قانونی نیز در نظر گرفته شده و در جهت کمک به پیش بینی تحولات احتمالی طلاق های قانونی در آینده نیز سودمند باشد.

بویژه این مسأله در جوامعی که عواملی مانع از جدایی و طلاق همسران بصورت قانونی (زنانی که تمایل واقعی برای ادامه زندگی مشترک ندارند) خواهد شد، بیشتر نیازمند توجه است. جامعه ی ما و بالاخص شهر همدان (که مورد مطالعه تحقیق حاضر است) نیز از این قاعده مستثنی نمی باشد و نیاز به کنکاش بیشتر مسأله در آن احساس می شود.

بنابراین بررسی طلاق عاطفی، که خود تهدیدی برای موجودیت و استحکام خانواده ها است، تجدیدنظر در الگوهای رفتاری کهن (و به ویژه الگوهای نامناسب موجود) را ممکن ساخته و فرصت ترسیم مصادیق تفاهم بین زن و شوهر در قالب های گوناگون مانند: آشنایی و شناخت کافی قبل از ازدواج، آموزش های ارتباطی (همچون ارتباط جنسی) سالم، ترویج الگوهای زبانی تفاهم زا و ... از سوی وسایل جمعی را فراهم خواهد کرد. همچنین شناخت بهتر مسأله، می تواند به اصلاح الگوهای رایج همسرگزینی و روابط خانوادگی و نیز احتمالاً تدوین قوانینی همسو با تحکیم مبانی خانواده کمک زیادی نماید (بخارایی، ۱۳۸۶).

ضرورت پژوهش در این موضوع از نظر علمی، کمکی است به دانش بشری، یاری رسانی به ادبیات طلاق عاطفی که موجب توسعه علم و دانش در این زمینه می شود. زیرا علم دارای کارکردهای بیشماری است و علم ناشی از فعالیت تغییرآفرین انسان ها است که طی آن انسان ها به تغییر محیط اجتماعی و طبیعت پیرامون خود دست می یازند، جهان را دگرگون می کنند و آن را قالبی نوین می بخشند. نتایج پژوهش حاضر می تواند کمک شایانی برای سیاست گذاری های عمومی و اجتماعی انجام گرفته در حوزه ازدواج و خانواده و تحکیم روابط خانوادگی در جامعه مورد مطالعه باشد.

#### ۱-۴ اهداف تحقیق

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی میزان طلاق عاطفی و عوامل جامعه شناختی مرتبط با آن می باشد. در قالب این هدف اصلی، اهداف اختصاصی تحقیق که همانا بررسی ارتباط تک تک عوامل جامعه شناختی با طلاق عاطفی می باشد به قرار زیر است:

۱) برآورد میزان شیوع طلاق عاطفی در بین افراد متأهل شهر همدان

۲) شناخت رابطه ی پایگاه اقتصادی- اجتماعی و طلاق عاطفی

۳) شناخت رابطه بین برخی عوامل اجتماعی و طلاق عاطفی

۴) شناخت رابطه ی بین برخی عوامل فرهنگی و طلاق عاطفی

۵) شناخت رابطه ی بین برخی عوامل زمینه ای و طلاق عاطفی

متغیرهایی که در هر یک از این عوامل کلان تحت بررسی قرار خواهند گرفت، در بخش تعاریف عملیاتی متغیرها ارائه شده است. لازم به ذکر است که سعی خواهد شد در بین دو دسته از عوامل ایجاد کننده طلاق عاطفی و نیز موانع طلاق قانونی (که خود منجر به شیوع بالاتر طلاق عاطفی خواهد شد) تفاوت گذاشته شود.

فصل دوم:

مبانی نظری و ادبیات تحقیق

## ۲-۱ مبانی نظری

در بخش نظریات، تلاش بر این بوده است که در قسمت اول، نظریات عمومی مطرح شود که شاید بیشتر از طلاق عاطفی، مربوط به خود طلاق (قانونی) باشند. البته در مواردی عوامل منجر به طلاق عاطفی و قانونی حتما اشتراکاتی را با یکدیگر خواهند داشت. در این بخش، از نظریاتی همچون کارکردگرایی پارسونزی، نظریه بیگانگی رابرت مرتن، نظریه ی نظام ها و نظریه ی شبکه استفاده شده است. در بخش دوم نظریات، به نظریاتی که به صورت اختصاصی تر می تواند به مبحث طلاق عاطفی مربوط باشد، پرداخته شده است؛ در این مجموعه، نظریاتی همچون: مثلث عشق استرنبرگ، کیفیت زناشویی مارکز و مدل لوینگر در زمینه طلاق عاطفی اشاره شده است. لازم به یادآوری می باشد که در این قسمت سعی شده بر نظریاتی اجتماعی و کلان تاکید شود که به طلاق به عنوان یک پدیده ی اجتماعی نگریسته اند.

## ۲-۱-۱ نظریه کارکرد گرایی

بنیان کارکردگرایی بر این واقعیت استوار است که کلیه ی سنن و مناسبات و نهادهای اجتماعی دوام و بقایشان به کار یا وظیفه ای بستگی دارد که در نظام اجتماعی یعنی کل جامعه بر عهده دارند. در واقع یکی از مهم ترین مسایل مورد علاقه ی کارکردگرایان، تحلیل کارکردهایی است که یک نظام اجتماعی برای بقای خود به مجموعه آنها نیاز دارد. در این رویکرد نه تنها کل جامعه و نظام اجتماعی، بلکه هر یک از خرده نظامهای اجتماعی نیز دارای وظایف و کارکردهایی هستند که انجام مناسب این وظایف موجبات پایداری نظام اجتماعی را به وجود خواهد آورد و در عمل بقای کلی نظام در گرو کارکرد بهتر هر یک از خرده نظامهای اجتماعی است (ریترز، ۱۳۸۶).

یکی از موثرترین نظریه پردازان مکتب کارکردگرایی، تالکت پارسونز<sup>۱</sup> می باشد که نظریه ی ساختاری- کارکردی وی در این رویکرد جایگاه ویژه ای پیدا کرده است. او با توجه به تعریف کارکرد، که آن را مجموعه فعالیت هایی در جهت برآوردن یک نیاز یا نیازهای نظام می داند، معتقد است که چهار تکلیف است که برای همه ی نظام ها ضرورت حیاتی دارند: ۱- تطبیق (تطبیق هر نظام با موقعیتی که در آن قرار گرفته)؛ ۲- دستیابی به هدف (تعیین هدف های اصلی و دست یابی به آن)؛ ۳- یکپارچگی (تنظیم روابط متقابل سازنده هر نظام) و؛ ۴- سکون یا نگهداشت الگو (نگهداری و تجدید انگیزش های افراد و الگوهای فرهنگی هر نظام).

هر نظامی برای بقای خود باید این چهار کارکرد را به نحو احسن انجام دهد. این چهار کارکرد در کلی ترین سطح آن، با چهار نظام کنش پیوند دارند. ارگانیزم رفتاری نوعی نظام کنش است که کارکرد تطبیقی اش را از

<sup>۱</sup> Talcott Parsons